

دولتی و غیردولتی فوق‌الذکر هستند و با اداراتی که از طرف شرکت‌های خصوصی آمریکایی یا بین‌المللی، دولت‌های خارجی، صنایع، کارتل‌ها، و... برای تأثیر بر تصمیمات و طرح قوانین و مقررات دولت آمریکا به طور تمام وقت فعال می‌باشند.

در نتیجه این طور به نظر می‌رسد ابزار مؤثر و کارا مانند C-SPAN که امکان اطلاع مستقیم از جریان‌ات روزمره تصمیم‌گیری در چنین مکانی را فراهم می‌کند برای ساکنین دیگر نقاط جهان که به هر حال به درجات و طرق گوناگون با فرهنگ یا سیاست یا اقتصاد آمریکا درگیر می‌باشند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد.

ک.م.م

کمکو ۱۶۲

یکی از تاریک‌ترین دوره‌های سیاسی در تاریخ سودان.

بر پا ماندن اهفد احتمالاً دلایل زیادی دارد که از جمله آن جایگاه تاریخی این آموزشگاه در آموزش و پرورش سودان است. اهفد ابتدا دبستانی بود که بابکر بدری، مؤسس به‌نام آموزش دختران در سودان، به سال ۱۹۰۷ دایر کرد. از آن زمان به بعد خانواده بدری تغییرات گوناگونی در اهفد دادند. این مؤسسه در سال ۱۹۵۱ به مدرسه راهنمایی و سپس در سال ۱۹۵۵ به دبیرستان، در سال ۱۹۶۶ به مدرسه عالی دختران و بالاخره در سال ۱۹۹۵ به دانشگاه دخترانه اهفد تبدیل گشت.

به نظر من، رشد و گسترش این مؤسسه آموزشی درست برخلاف تصور غربی‌ها از یک دانشگاه دخترانه در یکی از فقیرترین کشورهای جهان، صورت گرفته است.



## آموزش فمینیستی در کشورهای

### جنوب: دیداری از سودان

دانشگاه اهفد (Ahfad)، جای شگفت‌انگیزی است! چندی پیش در این دانشگاه دخترانه که در ام‌دورمان - آن سوی نیل نسبت به پایتخت خارطوم - واقع شده به سمت مشاور مشغول به کار بودم. اهفد، دژ مستحکمی است از فعالیت‌های فمینیستی و افکار مستقل در بطن

علی‌القاعده برنامه‌های درسی بایستی کاربردی، عملی و براساس خط مشی سیاسی باشد. یا باید تأکید برنامه‌ها بر خدمت به جامعه و کشور باشد و نه براساس جستجو برای تحقق فردی یا احقاق حقوق گروهی (مثلاً زنان). اگر بنا بود مؤسسات زنان در نیمکره جنوبی چنین عمل کنند، پس اهفد عرف را شکسته است.

برای مثال اهفد، از سال ۱۹۸۶، در رشته مطالعات زنان مدرک می‌دهد و در سال ۱۹۸۹ واحد منابع مطالعات زنان را به برنامه‌های خود افزوده است. ضمناً از سال ۱۹۹۸ این دانشگاه درجه دکتری در مطالعات زنان را نیز ادامه می‌دهد. با این همه، این نوع واحد یا مدرک نیست که در فعالیت اهفد ارزشمند است، بلکه نوع برنامه درسی آن است.

سال ۱۹۹۵ وقتی که اهفد به جایگاه دانشگاه تبدیل شد، سال چندان نویدبخشی برای زنان یا آموزش مربوط به آنان نبود. از سال ۱۹۸۹، دولتی بر روی کار آمده بود که بیشتر سازمان‌های زنان و اصولاً احزاب سیاسی را تعطیل و آموزش مختلط را ممنوع کرد و مضایق بسیاری به ویژه برای زنان و حضور فعال‌شان در عرصه‌های مختلف پدید آورد.

اهفد در چنین اوضاعی نه تنها پیشرفت کرد، بلکه به یک مؤسسه درجه یک مبدل شد. این‌که اهفد توانست علیرغم برخورد منفی دولت با آموزش‌های عرفی رونق یابد جای

شگفتی دارد. موضوع شگفت‌انگیز دیگر این است که چنین نفوذی در پرورش زنان مستقل و قوی و آموزش آنان با بینش ضد پدرسالاری را نمی‌شود دست کم گرفت. اهفد خود را چنین تعریف می‌کند:

«یک دانشگاه خصوصی، مختص آموزش زنان و قدرت بخشیدن به نقش آنان در توسعه شهری و روستایی و به دست آوردن عدالت اجتماعی برای زنان سودانی.»

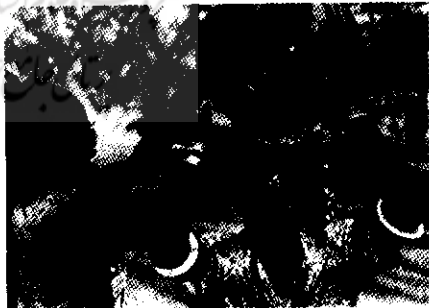
جنسیت و توسعه همیشه سپر محافظ این مؤسسه بوده است و زنان را از جای جای سودان به خود جذب کرده و دوره‌های فوق‌العاده‌ای در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد ارائه داده است. تحت پوشش واحد مطالعات زنان، درس‌هایی در زمینه مطالعات مبنایی نظری و مفهومی برای مطالعات جنسیتی و زنان دارد؛ همین‌طور نظریه‌های توسعه؛ روش تحقیق؛ تغییرات جنسیتی، فرهنگی و اجتماعی، جنسیت و اقتصاد؛ زنان و دولت و چالش‌های جنسیت در قرن بیست و یکم.

من در فوریه و مارس ۲۰۰۳ به عنوان ممتحن و مشاور خارجی واحد مطالعات زنان اهفد دعوت شدم. بخشی از کار من برگزاری سمیناری دو روزه (روزی پنج ساعت) درباره گفتار اسلامی و فمینیستی بود. هیأت علمی هر دو دانشگاه (اهفد و خارطوم) و دانشجویان کارشناسی ارشد در این سمینار شرکت کردند.

با آن که من سعی داشتم در طول سمینار مقایسه‌ای نسبتاً بی‌طرفانه میان این دو نوع گفتار به دست دهم، بسیاری از استادان و دانشجویان اهفد می‌خواستند که تمایز روشنی میان این دو ترسیم شود و به‌خصوص مایل بودند بر خشونت بالقوه نسبت به زنان در جایی که جدایی میان مذهب و دولت وجود ندارند، تأکید گذارند. دو نفر تعریفی قوی از فمینیسم در مقابل مذهب پدرسالارانه ارائه دادند. بحثی که پس از سمینار درگرفت، در انتقاد بی‌پرده از دولت و سوءاستفاده از آموزه‌های رسمی در جهت مقهور کردن زنان شگفت‌آور بود. چنین آزادی بیان کاملاً عکس آنچه بود که تا به حال درباره‌ی فضای سیاسی این کشور شنیده بودم و یک بار دیگر به این حقیقت پی‌بردم که اهفد واحه‌ای سیاسی و اجتماعی است.

از زمان کودتای نظامیان اهفد در بیشتر سال‌ها بدون مشکل به کار خود ادامه داده است. از زمره دلایلی که برای این آزادی نسبی در این دانشگاه وجود دارد این واقعیت است که خانواده بزرگ بدری خانواده‌ای قدرتمند است و این موضوع که اهفد کمک‌های مالی برون مرزی دریافت می‌کند. علاوه بر این، قبل از به قدرت رسیدن دولت فعلی، شهرت اهفد به مؤسسه‌ای افراطی و مرکزی بالقوه برای ناآرامی‌های سیاسی (مانند بسیاری از مدارس و به خصوص دانشگاه خارطوم) نبوده، بلکه به عنوان یک مؤسسه لیبرال با دانشجویان طبقه متوسط و بالا و برنامه درسی نسبتاً بی‌ضرر شناخته می‌شود. به هر حال آیا حرف زدن از حقوق زنان بی‌خطر نیست؟ با وجود این، در مواردی دانشگاه و دانشجویانش مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. مثلاً، حدود چهار سال پیش شبه‌نظامیانی که وظیفه‌اشان پاسداری از قانون نظم اجتماعی است، اتوبوسی از دختران اهفد را که از بیک‌نیک بر می‌گشت نگه داشتند. وقتی به دختران دستور خروج از اتوبوس را دادند، متوجه شدند که برخی‌شان شلوار چین پوشیده و حجاب ندارند. آنان را مجازات کردند که باعث اعتراض مردم و موجب نگرانی دولت شد.

بخشی از کاری که بر عهده من گذاشته شده بود ارزیابی برنامه درسی و دادن پیشنهادات جدید بود. در برنامه‌های درسی جنسیت و



توسعه، به شدت تحت تأثیر شجاعتی که به روشنی در «اهداف دروس» ابراز شده بود، قرار گرفتیم. برای مثال: در درس «دگرگونی جنسیتی، فرهنگی و اجتماعی» یکی از اهداف درس این است که چگونه فرهنگ، رفتار نقش‌ها و روابط جنسیتی را شکل می‌دهد و بازسازی می‌کند مورد بررسی قرار دهد و در ادامه درک این مطلب را تسهیل کند که چگونه گفتارهای فرهنگی و مذهبی سلطه جنس مذکر را تداوم می‌بخشد و در ادامه پاسخ‌های زنان به موانع و چالش‌های فرهنگی و مذهبی.

در روش درس‌ها، از دانشجویان انتظار می‌رود که «مفاهیم بنیادی در روش‌شناسی تحقیق فمینیستی، مانند اپیستمولوژی، تحقیق فمینیستی، مسائل جنسیتی در تحقیق اجتماعی را تعریف و بررسی کنند.» در درس «چالش‌های جنسیتی در قرن بیست و یکم» دانشجویان باید «نگرشی برای نظم بخشیدن به خود به منظور روبه‌رو شدن با چالش‌هایی که در مقابل زنان سودانی وجود دارد» بپروانند. روشن است که این هدف برای یک دورهٔ درسی عملی و کاربردی است. آنچه اهدف به زنان می‌آموزد که نه تنها جایگاه خود را در فرهنگ‌شان تشخیص دهند بلکه اقدامی جهت آن انجام دهند خود بیش از حد انتظار است. در درس «زنان و دولت» به دانشجویان ۴۸ ساعت وقت می‌دهند تا «شناسایی شکل‌گیری

تاریخی جنبش‌های زنان برای نمایندگی در آن و دسترسی به ساختار قدرت، ثروت و نهادهای اجتماعی در کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت» را و یاد بگیرند. تمامی این اقدامات در زیر سلطه دولتی که تا چندی پیش گردهمایی را منع می‌کرد صورت می‌گیرد و زنان می‌آموزند که چگونه متحد شوند و به قدرت دست یابند.

این درس‌ها صراحتاً فمینیستی است که تازه اگر شرایط آن را بسنجیم باعث شگفتی می‌شود. در طول سمینار، در حالی که من در استفاده از کلمه «فمینیست» احتراز می‌کردم، بیشتر دانشجویان و استادان بر استفاده از آن مصر بودند.

شرکت‌کنندگان این موضوع را مطرح کردند که نمی‌خواهند از بیم متهم شدن به تقلید از غرب، فمینیسم بومی‌شان ناروشن بماند یا از دست برود. در اهمیت این موضوع بحث کردند که باید این اصطلاح (فمینیسم) را با این انتخاب که تا چه حد از «فمینیست‌های غربی» اقتباس کنند متناسب با نیازهای خودشان کنند؛ که در عین حال «فمینیسم غربی» را به طور مطلق نپذیرند. برخی از شرکت‌کنندگان با غرور از آنچه تا کنون برای زنان از طریق مبارزات مادر بزرگ‌هایشان و سازمان‌هایی که خیلی پیش‌تر از ایالات متحده، به سال ۱۹۶۵، برای رسیدن به مزد برابر برای کار برابر، مرخصی زایمان و حقوق دیگر انجام

شده، صحبت می‌کردند. بعضی دیگر از اهمیت تشکل توده مردم می‌گفتند که در آنجا سابقه‌ای طولانی داشته است. زنان جنوب و زنان صحرای نوبا (اهفد سعی دارد به تنهایی به زنان مناطق محروم کشور که آواره شده‌اند بورس بدهد) به طور خصوصی به من گفتند که فعالیت سازمان‌های زنان در طول جنگ چشمگیر بوده است. واضح است که زنان به آنچه بدون هیچ گونه ارتباطی با افکار غربی، برای زنان انجام داده‌اند، می‌بالند.

واحد مطالعات زنان در دانشگاه دخترانه اهفد به منزله موازنه‌ای است در مقابل برتری‌جویی حکومت و تسلط برنامه‌های آن برای ساختن «الگوی زن» مورد نظر آنها. بعضی از دانشجویان از پیگیری و شجاعت دانشکده خود در ایستادگی در مقابل ایده‌نولوژی غالب در جامعه‌شان مبهوت به نظر می‌آمدند و هیأت علمی خود را تحسین می‌کردند.

ساندرا هیل

۱۶۶  
کسکو

## اصلاحات ترکیه

مجلس ترکیه با تصویب «قانون عفو مخالفین دولت» که سومین سری از لوایح معطوف به همگرایی با اتحادیه اروپایی میباشد آنرا به مورد اجرا گذاشت.

این لایحه که از طرف دولت رجب طیب اردغان و حزب متبوعش «عدالت و توسعه» - یک حزب میانه‌روی اسلامی - به مجلس ارائه شد، تلاش آنها برای انجام اصلاحات همه جانبه در ترکیه به منظور فراهم کردن عضویت آن در اتحادیه اروپایی نشان دارد. حل این موارد که شامل حقوق بشر، اصلاحات اقتصادی و سیاسی، حقوق اقلیت‌ها و به ویژه کردها و ... می‌باشد در سال ۱۹۹۹ از سوی اتحادیه اروپایی به عنوان پیش شرط‌های عضویت کشور ترکیه در آن اتحادیه مطرح و اعلام شد.

هرچند این اقدامات توسط دولتی که به اسلام‌گرایی شهرت دارد انجام می‌شود ولی نباید فراموش کرد که عمده کار در سال گذشته و توسط دولت چپ‌گرای اجوبیت انجام شد؛ در مرداد ماه سال گذشته - اوت ۲۰۰۲ - بود که لوایحی مبنی بر لغو مجازات اعدام، صدور اجازه تدریس به زبان‌های بومی و تأسیس رادیو و تلویزیون خصوصی و... تصویب شد، این مصوبه که بسیار غیره منتظره بود از طرف اتحادیه اروپایی و خاور سولانا اقدامی شجاعانه و دموکراتیک که ترکیه را به خانواده دموکراسی اروپا نزدیک می‌کند نامیده شد.

مسئله بسیار مهمی که اینجا جلب توجه می‌کند این است که با وجود آنکه این قوانین تا حدود زیادی نقش ارتش ترکیه و نظامیان را محدود می‌کند و دست آنها را در پاره‌ای از